



شنبه‌های
چالشی روزنامه صبا؛
تریبونی آزاد برای اهالی
فرهنگ و هنر

آیا شبکه نمایش خانگی در دام تکرار افتاده است؟

برای یک فیلمنامه قوی یا یک فیلمساز حرفه‌ای پرداخت شود؟ همین مسئله باعث شده بسیاری از پلتفرم‌ها با فیلمسازان متوسط و فیلمنامه‌های ضعیف کار کنند. نتیجه هم همان چیزی است که امروز می‌بینیم؛ سریالی که به پایان می‌رسد، مخاطب حتی اسمش را هم فراموش می‌کند، چه برسد به اینکه داستان، شخصیت‌ها یا اتفاقاتش در ذهنش باقی بماند.

کثیریان اظهار کرد: به طور کلی، میانگین کیفیت سریال‌های شبکه نمایش خانگی، به نظر من، پایین‌تر از حد متوسط است. از طرف دیگر، مخاطب هم خوراک مناسب و باکیفیتی در اختیار ندارد. بسیاری از مردم از تلویزیون فاصله گرفته‌اند و مخاطبان تلویزیون به شدت کاهش یافته است. در نتیجه، تنها جایی که برای سرگرمی باقی مانده، همین پلتفرم‌ها هستند؛ به ویژه اینکه ما اساساً تلویزیون خصوصی هم نداریم. به همین دلیل، پلتفرم‌ها تا حدی جای خالی تلویزیون خصوصی را پر کرده‌اند. وقتی مخاطب از تلویزیون بریده و جایگزین دیگری هم ندارد، باید به سراغ سریال‌های ترکی برود یا همین سریال‌های شبکه نمایش خانگی را دنبال کند. به نظر من، هر دو از نظر کیفی مشکل دارند و در نهایت سطح توقع مخاطب را پایین می‌آورند. در مورد شباهت محتوای سریال‌ها هم، اگر شما از منظر مضمونی به آن نگاه می‌کنید، بحث دیگری است؛ اما من فارغ از مضمون، معتقدم از نظر کیفیت نیز این آثار بسیار به یکدیگر شبیه هستند. ولی اینکه گفته می‌شود سلیقه مخاطب پایین آمده، به نظر من باید از زاویه دیگری هم به آن نگاه کرد. آیا واقعاً مخاطب چنین سلیقه‌ای دارد یا ما با تلاش برای تغییر سطح سلیقه مخاطب روبه‌رو هستیم؟ واقعیت این است که مخاطب امروز تا حد زیادی مجبور است. او قبلاً آثاری مانند «شهرزاد» و «خاتون»... می‌دید؛ اما امروز چه چیزی می‌بیند؟

وی افزود: دلایل این است که دست مخاطب بسته است و حق انتخاب چندانی ندارد. هر پلتفرمی را باز کنید، یک یا دو سریال ضعیف با مضمون تکراری در حال بخش است. در چنین شرایطی، اگر سریالی فقط کمی به سطح متوسط نزدیک شود، همه ذوق‌زده می‌شوند و می‌گویند: «وای، چه سریالی آمده است!»، گاهی فقط به این دلیل که یک سریال چند صحنه خوب، بخشی از داستان قابل قبول یا دو بازی خوب دارد، همه تصور می‌کنند با یک اثر درخشان روبه‌رو هستند. در حالی که اگر همین سریال را کنار آثار شاخصی که در سال‌های گذشته ساخته شده‌اند قرار بدهید، اصلاً به چشم نمی‌آید.

کثیریان در ادامه گفت: همین تکرار الگوی روایی باعث می‌شود سلیقه مخاطب به تدریج پایین بیاید. مخاطب وقتش را با یکی از همین‌ها می‌گذراند اگر نشد، یکی دیگر را می‌بیند. نتیجه این می‌شود که کم‌کم به دیدن سریال‌های ضعیف عادت می‌کند. از آن طرف، تهیه‌کننده و پلتفرم هم به این نتیجه می‌رسند که مخاطب با همین کیفیت و مضمون راضی است. در نتیجه، یک الگوی تکرارشونده شکل می‌گیرد؛ الگویی که دام خودش را بازتولید می‌کند.

پلتفرم هم وقتی مخاطب با همین کیفیت راضی است، چرا باید برای فیلمنامه بهتر، فیلمساز حرفه‌ای‌تر و تولید طولانی‌تر هزینه بیشتری پرداخت کند؟ در حالی که می‌شود با یک تولید سریع، یک فیلمنامه نویسنده متوسط یا حتی ضعیف و یک کارگردان متوسط، همان درآمد را به دست آورد. وی اذعان داشت: اگر امروز دو سریال واقعاً خوب در میان این آثار قرار بگیرد، بخش زیادی از مخاطبان دیگر سراغ آن سریال‌های ضعیف نمی‌روند. اما چون چنین گزینه‌ای وجود ندارد، وضعیت همین گونه ادامه پیدا می‌کند.

منتقد سینما افزود: نگاه پلتفرم‌ها به بیش از هر چیز اقتصادی است. حتی فیلمسازان خوب هم در این چرخه گرفتار می‌شوند. به نظر من، این مسئله الزاماً به توانایی فیلمساز بر نمی‌گردد. بسیاری از فیلمسازان خوب، تحت تأثیر شرایط تولید و خواسته‌های پلتفرم قرار می‌گیرند. پلتفرم از آن‌ها نوع خاصی از تولید را می‌خواهد و طبیعی است که فیلمساز هم با خودش فکر می‌کند: «چرا باید برای ساخت یک شاهکار، وقت، انرژی و خلاقیت بیشتری صرف کند، وقتی همان چیزی که از او خواسته‌اند، کفایت می‌کند؟ در نتیجه، او هم ترجیح می‌دهد با حداقل انرژی کار را پیش ببرد.

وی توضیح داد: زمانی تلویزیون شرایط متفاوتی داشت.



کیوان کثیریان
منتقد سینما؛

مخاطب را به سریال‌های بد
عادت داده‌ایم

کیوان کثیریان، منتقد سینما، معتقد است برای بررسی وضعیت امروز سریال‌های شبکه نمایش خانگی، قبل از پرداخت به مضمون باید به سازوکار تولید آن‌ها نگاه کرد. از نگاه او، سریال‌سازی امروز به صنعتی پرمخاطب و سودآور تبدیل شده که بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر ملاحظات اقتصادی قرار دارد؛ ملاحظاتی که به گفته او، گاهی کیفیت فیلمنامه و استانداردهای تولید را به حاشیه می‌برد. کثیریان در گفت‌وگو با روزنامه صبا، از تأثیر این روند بر کیفیت آثار، کاهش حق انتخاب مخاطب و شکل‌گیری چرخه‌ای می‌گوید که در آن، تکرار فرمول‌های مشابه، هم به تولیدکننده سود می‌رساند و هم به تدریج سطح انتظار مخاطب را تغییر می‌دهد.

کثیریان افزود: سریال‌سازی یک صنعت است؛ آن هم صنعتی که مخاطبان بسیار گسترده‌ای دارد. به هر حال، به دلیل شیوه عرضه، مخاطب سریال‌ها را سینما بیشتر است. سریال‌ها وارد تلویزیون‌ها و خانه‌های مردم می‌شوند و طبیعی است که مخاطبان بسیار بیشتری داشته باشند. بنابراین، با یک صنعت بسیار گسترده روبه‌رو هستیم. در ایران هم، به دلایل مختلف، از جمله رکود و تعطیلی سینما، دست‌کم در چند سال گذشته، سریال‌سازی رشد قابل توجهی کرده است.

وی بیان کرد: آنچه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، کیفیت و فیلمنامه است؛ یعنی کیفیت ساخت و کیفیت متن. عملاً برقیب بودن فضای سریال‌سازی و اینکه در نهایت فقط چند پلتفرم در کنار هم فعالیت می‌کنند و رقابت محدودی با یکدیگر دارند، باعث شده وضعیت به همین شکل ادامه پیدا کند. اگر جمعیت ایران و میزان تقاضای موجود را در نظر بگیریم، چهار یا پنج پلتفرم واقعاً عدد زیادی نیست. مخاطب می‌تواند تقریباً همه تولیدات آن‌ها را دنبال کند و به همین دلیل، حق انتخاب چندان گسترده‌ای ندارد.

این منتقد سینما اذعان کرد: اگر مخاطب حق انتخاب گسترده‌ای داشته باشد، طبیعتاً با کیفیت‌تر را انتخاب می‌کند. اما بعضی از این سریال‌ها به وضوح «بزن دروویی» ساخته شده‌اند. کاملاً مشخص است که فیلمنامه بررسی دقیق و حرفه‌ای نشده و به نظر می‌رسد صرفاً یک طرح اولیه خریداری شده و بعد گفته‌اند: «برو بساز». چند بازیگر شناخته‌شده هم در پروژه حضور دارند تا شاید بتوانند مخاطب را جذب کنند و در نهایت، تعدادی از مردم هم سریال را می‌بینند. از بیرون هم این طور به نظر می‌رسد که پلتفرم‌ها نفع‌ها نصرت می‌کنند، بلکه حتی سود هم می‌برند.

وی ادامه داد: وقتی می‌توان با هزینه کمتر، از فیلمنامه نویسنده ضعیف‌تر و فیلمساز متوسط استفاده کرد و تقریباً همان درآمد را به دست آورد، دیگر چه دلیلی وجود دارد که هزینه بیشتری

وقتی خیانت، رابطه موازی و عشق
ممنوعه به فرمول تکرارشونده بسیاری از
سریال‌های شبکه نمایش خانگی تبدیل

سمیرا جعفری
گزارش



می‌شود، این سؤال جدی‌تر از همیشه مطرح است؛ آیا پلتفرم‌ها تنها در حال بازتاب بخشی از واقعیت‌های اجتماعی هستند یا برای جذب مخاطب بیشتر، به بازتولید و برجسته‌سازی این الگوها روی آورده‌اند؟

در سال‌های اخیر، بخش قابل توجهی از سریال‌های تولیدشده در شبکه نمایش خانگی، قصه‌های خود را حول روابط خارج از چارچوب خانواده، مثلث‌های عاطفی، خیانت و کشمکش‌های عاشقانه بنا کرده‌اند؛ موضوعاتی که از یک سو به اعتقاد برخی، بخشی جدایی‌ناپذیر از درام و روایت زندگی انسان‌هاست و از سوی دیگر، نگرانی‌هایی درباره تکرار، عادی‌سازی و تأثیر این الگوها بر مخاطب ایجاد کرده است.

در این میان، سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر (ساترا) که مسئولیت نظارت و صدور مجوز این آثار را بر عهده دارد، با وجود پیگیری‌ها حاضر به ارائه توضیح درباره معیارهای نظارت بر این حجم از مضامین مشابه در سریال‌های شبکه خانگی نشد.

در گزارش شنبه‌های چالشی این هفته روزنامه صبا، رضا مقصودی، فیلمنامه‌نویس و کارگردان، کیوان کثیریان، منتقد سینما، و مهرداد ناظری، جامعه‌شناس، از سه زاویه متفاوت به این پرسش نگاه کرده‌اند؛ آیا مسئله، خود پرداختن به خیانت و روابط پیچیده انسانی است یا شیوه‌ای که این مضامین در چرخه تولید سریال‌ها به الگوهای تکرارشونده تبدیل شده‌اند؟

